

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اخلاق دانش آموزی

(با تکیه بر روش‌های نوین اخلاقی و تربیتی)

نویسنده:

علی واشقانی فراهانی

تقدیم به:

پدر گرامی و ارجمندم

مادر عزیز و مهربانم

همسر مهربان و همراه همیشگی ام

و نور چشم عزیز و دلبندم، آقا مهدی،

که بی همراهی و همدلی شان انجام این کار ممکن نبود.

سرشناسه	: واشقانی فراهانی، علی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اخلاق دانش آموزی (با تکیه بر روش های نوین اخلاقی و تربیتی) / تالیف علی واشقانی فراهانی.
مشخصات نشر	: تهران : سازمان مدارس آزاد اسلامی (سما)، پیام سما، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۵۹۰۹-۷ ۲۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: شاگردان -- اخلاق
موضوع	: Student ethics
موضوع	: تربیت اخلاقی
موضوع	: Moral education
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش
موضوع	: Islamic education
شناسه افزوده	: سازمان مدارس آزاد اسلامی (سما). پیام سما
شناسه افزوده	: Organization of Islamic schools (Sama)payame sama
رده بندی کنگره	: ۳۶۰۹LB
رده بندی دیویی	: ۳۷۱/۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۴۴۶۹۶

ناشر: سازمان مدارس اسلامی (سما) پیام سما

نام کتاب: اخلاق دانش آموزی (با تکیه بر روش های نوین اخلاقی و تربیتی)

نویسنده: دکتر علی واشقانی فراهانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۶۴-۱۰-۵۹۰۹-۷

ویراستار ادبی و فنی: مهدی واشقانی فراهانی

قیمت: ۲۸،۰۰۰ تومان

فهرست مطالب:

عنوان	صفحه
فصل اول:	۱۱
کلیات:	۱۲
پیشگفتار:	۱۳
مقدمه:	۱۴
چهار حوزه اخلاق در قرآن کریم:	۱۷
۱- مبانی اخلاق اسلامی	۱۷
۲- اخلاق توصیفی:	۲۰
۳- اخلاق دستوری (هنجاری):	۲۱
۴- تربیت اخلاقی	۲۳
دو دیدگاه در باره اخلاق:	۲۳
اهداف اخلاقی مصوب متوسطه دوره اول:	۲۶
سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی:	۲۹
مدرسه در افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴:	۳۰
مفهوم تعلیم و تربیت:	۳۲
موضوع تعلیم و تربیت:	۳۳

۳۴	اهمیت تعلیم و تربیت:
۳۶	رابطه ی تعلیم و تربیت:
۳۷	تربیت پذیری انسان:
۳۸	ویژگی های تربیت اسلامی:
۳۸	۱- الهی بودن:
۴۰	۲- شمول و جامعیت:
۴۰	۳- هدايتگر:
۴۱	۴- خرد پروری:
۴۳	طبقه‌بندی هدفهای آموزشی در حیطه های سه گانه:
۴۵	حیطه عاطفی:
۴۷	سطوح عاطفی:
۴۸	هدف‌های کلی آموزشی و فعل‌های رفتاری در حیطه عاطفی:
۴۹	حیطه روانی - حرکتی:
۵۱	طبقات اصلی در حیطه مهارتی - حرکتی:
۵۶	اهمیت و ضرورت آموزش‌های اخلاقی:
۵۸	تعریف اصطلاحات و مفاهیم:
۶۳	فصل دوم:
۶۴	اخلاق و ملاک عمل:
۶۷	موضوع و هدف اخلاق:
۶۹	محور اخلاق:
۷۲	تعریف اخلاق:
۷۳	تعریف علم اخلاق:
۷۵	اهمیت و ضرورت اخلاق:
۷۶	وجود حس اخلاقی در انسان:

نحوه وجود گرایش اخلاقی در انسان:	۷۷
رابطه حس اخلاقی و حس پرستش:	۷۷
رابطه اخلاق و اعتقاد:	۷۸
انواع تقسیم بندی مسایل اخلاقی:	۷۹
برخی از کلیدهای زندگی شغلی و حرفه ای:	۸۲
ملاک عمل اخلاقی:	۸۳
اکتسابی و مطلق بودن اخلاق:	۸۵
چهار رابطه انسانی در حوزه اخلاق:	۸۸
فصل سوم:	۹۵
نقش اخلاق و تربیت در فرایند تکامل انسان:	۹۶
۱- اصل هماهنگی با فطرت:	۹۹
۲- اصل اعتدال:	۱۰۰
۳- اصل جامعیت (تربیت جامع):	۱۰۱
۴- اصل تأمین نیازهای واقعی:	۱۰۲
۵- اصل تأکید به تربیت دوره کودکی:	۱۰۴
۶- اصل توازن امور ثابت و امور متغیر:	۱۰۶
۷- اصل هدایت خواهی:	۱۰۷
۸- اصل حکمت جویی:	۱۰۸
۹- اصل بهره گیری از اراده:	۱۰۹
۱۰- اصل تلازم و تناسب علم و عقل:	۱۱۱
۱۱- اصل انسانیت دوستی:	۱۱۳
۱۲- اصل جذب و دفع:	۱۱۴
۱۳- اصل پیوند تربیت با معنویت:	۱۱۵
فصل چهارم:	۱۱۷
نظریه های اخلاقی:	۱۱۸

نظریه پیازه در آموزش اخلاق:	۱۲۶
نظریه کلبرگ در رشد اخلاقی:	۱۲۷
سطح اخلاق پیش قراردادی:	۱۲۸
سطح اخلاق قرار دادی:	۱۲۹
سطح اخلاق فوق قراردادی:	۱۳۰
نظریه هارمز در رشد اخلاقی و درک دینی:	۱۳۳
نظریه گلدمن در رشد اخلاقی و درک دینی:	۱۳۴
فَبَک چیست؟ P۴C	۱۳۶
فلسفه برای کودکان و نوجوان:	۱۴۲
روش تدریس خاص فلسفه و کودک:	۱۵۳
مهارت خاص مربی فلسفه و کودک:	۱۵۴
فصل پنجم:	۱۵۷
روشهای تغییر و اصلاح اخلاق و رفتار:	۱۵۸
روشهای تغییر و اصلاح اخلاق و رفتار:	۱۵۹
چگونگی تداوم بخشیدن اخلاق پسندیده در خود انسان:	۱۶۱
۱- مشارطه:	۱۶۲
۲- مراقبه:	۱۶۲
۳- محاسبه:	۱۶۳
شرایط پذیرش توبه:	۱۶۴
چرا نگاه به نامحرم در اسلام تحریم شده است؟	۱۶۷
ارزش‌های اخلاقی در اجتماع:	۱۶۹
روش‌های کاربردی و تجربی تغییر و اصلاح رفتار:	۱۷۴
نقش مدرسه در آموزش اخلاق:	۱۷۴
تعارضات اخلاقی:	۱۷۵

پیشنهادهات:	۱۷۹
الف) رشد رفتار اخلاقی:	۱۸۳
روش های تربیت اخلاقی:	۱۸۴
تربیت به وسیله الگو و الگوسازی:	۱۸۵
روش های شفاهی در تربیت اخلاقی:	۱۹۶
شیوه های آموزش اخلاق در دوره متوسطه اول:	۱۹۸
کاربرد مفاهیم اخلاقی:	۲۰۰
روش آموزش اخلاق از نظر کلبرگ:	۲۰۰
آموزش تفکر به کودکان:	۲۰۳
گفتار آخرین که:	۲۰۵
منابع و مآخذ:	۲۰۷



کلیات:

این فصل شامل عناوین زیر است:

- چهار حوزه اخلاق در قرآن کریم.
- دو دیدگاه در باره اخلاق.
- تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت.
- مفهوم تعلیم و تربیت.
- موضوع تعلیم و تربیت.
- رابطه تعلیم و تربیت.
- تربیت پذیری انسان.
- ویژگی‌های تربیت اسلامی.
- اهمیت و ضرورت اخلاق.
- تعریف اصطلاحات و مفاهیم.

پیشگفتار:

به نام خداوند جان خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

سپاس و ستایش مخصوص خداوند بی‌همتایی است که الطاف بی‌کرانش لحظه‌به‌لحظه زندگی ما را در برگرفته و فضل بی‌قیاس او در مراحل دشوار زندگانی شامل حالمان گشته و اگر عنایت بی‌منت او نبود، انجام این کار تا حصول نتیجه، غیرممکن می‌نمود. سپاس کسانی را که آموختن را عشق می‌دانند. آنان که معلم میثاق مهرند و شکوفاگر شباب اندیشه. سپاس ویژه از استاد گرامی، جناب آقای دکتر بهمن زندی که هرگز مرا از خوان بی‌دریغ اندوخته‌های خویش محروم نگذاشته و همتش بدرقه راهم بوده است؛ و سپاس ویژه از استاد محترم، جناب آقای دکتر سید محمد میردامادی که الگوی فروتنی و مهربانی و نیک‌سیرتی توأم با دانش و آگاهی است؛ و نیز از سروران گرامی جناب آقای دکتر زمانی و آقای دکتر سرمدی صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین، لازم است که از کلیه دوستان عزیز که مرا در این راه یاری نمودند، تشکر نمایم. در پایان تشکر می‌کنم از پدر و مادر عزیزم که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان همه برایم مهر و می‌ستایم شبنم اشک و نجوای دعایشان را که پیوسته بدرقه راهم بوده است؛ و سپاس‌دار الطاف همسر مهربانم هستم، هم او که پیوسته در سامان‌دهی این اثر، یار شاطر و غمگسار خاطرم بود. همچنین تشکر می‌کنم از مهدی جان پسر عزیزم که در این راه مشوق و یار من بود.

مقدمه:

علم اخلاق شناخت زمینه‌های بروز خصلت‌های مثبت و منفی و رابطه آنها، روش‌های تقویت خلق و خوی نیک و زدودن خصلت‌های ناپسند می‌باشد. موضوع علم اخلاق، انسان و رفتارها و حالات اوست. ارزش هر کس به کمالات اخلاقی اوست. مباحث نظری علم اخلاق عمدتاً ناظر به شناخت نفس انسان و قوای درونی او و مباحث عملی آن ناظر به عمل بیرونی انسان است. شناخت فضائل و رذائل اخلاقی در قلمرو حالات و رفتار شخصی، «اخلاق فردی» و در محدوده ارتباط با دیگران، «اخلاق اجتماعی» نامیده می‌شود. منابع علم اخلاق عبارت است: قرآن، حدیث، سیره معصومین، زندگی‌نامه بزرگان اخلاق، حکمت‌های فرزندانگان. در باب اهمیت اخلاق باید گفت که اخلاق از علل اساسی رشد یا انقراض ملت‌ها و شرط تفوق یک اجتماع بر اجتماع دیگر است. اخلاق یک پل و یک عامل ربط است که در سایه ضوابط آن سازگاری‌ها آغاز می‌شود، همزیستی و صلاح در اثر آن پدید می‌آید و برعکس عدم رعایت ضوابط آن سبب درگیری‌ها، جنگ‌ها و تعدیه‌هاست. با توجه به این که آموزش رسمی، عامل مهمی در انتقال آموزه‌های اخلاقی است و با عنایت به این که بیشترین وقت دانش آموزان صرف کتب درسی می‌شود در نتیجه توجه به نقش کتاب‌های اخلاق دانش‌آموزی در انتقال آموزه‌ها و مفاهیم اخلاقی به جوانان و نوجوانان حائز اهمیت زیادی است و از این طریق می‌توان دریافت که در کتاب‌های اخلاق دانش‌آموزی تا چه اندازه به ارزشهای اخلاقی اهمیت داده شده و چه نوع ارزشهای اخلاقی و چگونه به دانش آموزان ارائه می‌شود. در این اثر تلاش شده است تصویری شفاف و کامل از آموزش و توجه به جوانان و نوجوانان ارائه شود. بدین منظور دو شیوه

ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) و چهار نوع پیام اخلاقی مثبت و منفی (در ارتباط انسان با خدا، در ارتباط انسان با خود، در ارتباط انسان با دیگران و در ارتباط انسان با جهان (طبیعت) مطرح شده است.

شایسته است که مفاهیم اخلاقی مثبت (فضایل اخلاقی) در ارتباط انسان با خود، در ارتباط انسان با دیگران و خانواده و ارحام، در ارتباط انسان با خدا و در ارتباط انسان با جهان (طبیعت) مطرح شود؛ و مفاهیم اخلاقی منفی (یعنی رذایل اخلاقی) در ارتباط انسان با خود، در ارتباط انسان با دیگران، در ارتباط انسان با خدا و در ارتباط انسان با جهان (طبیعت) نیز مطرح شود. در عین حال، برای ارائه آموزه‌های اخلاقی از روش ارائه مستقیم به و ارائه غیرمستقیم باید استفاده شود. از جمله نکات مهم، عنایت بیشتر به آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با خود مانند خودباوری، اعتماد به نفس و نیز توجه بیشتر به برخی آموزه‌های اخلاقی در ارتباط فرد با خود و در ارتباط فرد با دیگران است. بهتر است مفاهیمی مانند ذکر و یاد خدا، حب خدا، احسان، ایثار، صدق و راستگویی، رازداری، نوع دوستی، گذشت و فداکاری، دوری از دوستی دنیا، غیبت و حسد و تکبر و خشم و غضب و شهوت، خودنمایی، موردعنایت بیشتری قرار گیرند. همچنین، علاوه بر آموزش نظری مفاهیم اخلاقی، آموزش عملی اخلاق از طریق به کارگیری بیشتر روش‌های فعال و روش استفاده از الگوها و سیره معصومین (ع) و بزرگان اخلاق و فرزندان مورد توجه واقع شود. این اثر به شناخت نواقص در این زمینه توجه نموده و تا حدی به تکمیل آنها با مطالب بهتر و جذاب‌تر که در متون و منابع دینی و اخلاقی ما فراوان است پرداخته و همچنین به رفع محدودیت‌ها جهت پرورش بهتر دانش‌آموزان کمک می‌نماید. اخلاق از جمله مباحث علمی و فلسفی

است که از قرون گذشته تاکنون همواره مورد بررسی و تحقیق دانشمندان بوده و پیرامون آن نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از مسائل اساسی در تربیت، پرورش اخلاق است که به فرموده امام علی (ع) شرف انسانی و اخلاقی انسان در سایه آن محافظت می شود و سرمایه دین و علم از طریق آن از خطر زوال محفوظ می ماند. جوامع بشری در پرتو اخلاق خوب می توانند پیوندهای دوستی را محکم کنند، از حسن روابط اجتماعی برخوردار گردند در رفاه و آسایش زیست نمایند و به موفقیتی که شایسته مقام انسان است دست یابند.

بنابراین آموزش های اخلاقی در سعادت انسان نقش زیادی دارد و غفلت در تربیت اخلاقی موجب نابسامانی ها و گرفتاری های فراوان در آینده خواهد شد. پیگیری تربیت در جوامع انسانی توسط نهادهای مختلفی انجام می شود که این نهادها به صورت رسمی و غیررسمی به فعالیت مشغولند. یکی از این نهادهای رسمی در جوامع امروزی، نظام آموزش و پرورش است که بر اساس برنامه های مشخصی به ایفای رسالت خود اقدام می کند. در آموزش و پرورش رسمی کتاب درسی اخلاق نقش مهمی بر عهده دارد. مدرسه از طریق آموزش رسمی و کتاب های درسی اخلاق از پیش تدوین شده، به راحتی می تواند بر افکار دانش آموزان تأثیر بگذارد و در زمینه اخلاقی از طریق کتاب های درسی اخلاق و سایر روش های علمی، فضایل اخلاقی مورد پسند جامعه را به دانش آموزان آموزش دهد. از آنجا که بخش عمده آموزش و پرورش رسمی را کتاب های درسی تشکیل می دهند و گاه به عنوان تنها منبع آموزش مورد استفاده قرار می گیرند همچنین با عنایت به اینکه قسمت اعظم آموزش اخلاق در کتاب های دینی و قرآن و فارسی ارائه می گردد و در کتاب های

دیگر آموزش اخلاق در سطح کمتر است؛ لازم است که کتاب‌های اخلاقی به بهترین شیوه تألیف گردند تا بتوانند تأثیر مناسبی بر دانش‌آموزان بگذارند.

بر این اساس جستجوی اینکه کتاب‌های درسی چه آموزه‌های اخلاقی را دنبال می‌کنند و با چه انواع و میزانی از مفاهیم اخلاقی در برنامه تربیتی نقش ایفا می‌نمایند، حائز اهمیت است.

چهار حوزه اخلاق در قرآن کریم:

تبیین چهار حوزه اخلاق در قرآن کریم که در تقسیم‌ها عبارتند از:

مبانی اخلاق اسلامی، اخلاق توصیفی، اخلاق دستوری و تربیت اخلاقی

۱- مبانی اخلاق اسلامی (مقام ثبوت):

قرآن کریم در آیات ناظر به مبانی اخلاق به دو دسته از مبانی انسان‌شناختی و فلسفه اخلاق پرداخته است. این کتاب مقدس در بخش انسان‌شناختی چهار اصل زیر را مطرح می‌کند:

الف) جاودانگی نفس یا روح:

اصل جاودانگی نفس انسان یا همان روح، طی آیاتی مانند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، (بقره ۱۵۶) «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»، (زمر/ ۴۲) «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر ۲۷/ و ۲۸) بیان شده است.

ب) کرامت ذاتی آن و نسبت مراتب کرامت با مراتب پرهیزکاری:

اصل کرامت ذاتی انسان متقی و موحد راستین، با بیانی نظیر: «ولقد کرّمنا بنی آدم...» (اسرا / ۱۷۰) و نسبت مراتب کرامت با مراتب پرهیزگاری در آیه «انّ اَکرمکم عندالله اتّقیکم» (حجرات / ۱۳) گوشزد شده است.

ج) برخورداری انسان از اختیار و مسؤولیت اخلاقی:

قرآن اصل اختیار و مسؤولیت اخلاقی انسان را در قالب آیاتی چون «إنا هدیناه السبیل إمّا شاکراً وإمّا کفوراً» (انسان / ۳) و «فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر» (کهف / ۲۹) و «کُلّ نفس بما کسبت رهینة» (مدثر / ۳۸) و «وأن لیس للإنسان إلا ما سعی» (نجم / ۳۹) تبیین کرده است.

د) اکتسابی بودن اخلاق:

اصل «اکتسابی بودن اخلاق» را در آیاتی مانند: «قل کلّ یعمل علی شاکلته» (اسرا / ۸۴) و «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره» (زلزال / ۷ و ۸) و «لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت» (بقره / ۲۸۶) و «کلاً بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» (مطففین / ۱۴) متذکر شده است.

قرآن افزون بر این چهار اصل به تشریح ساختار قوای انسان و لایه‌های وجودی وی پرداخته است؛ مثلاً آدمی را دارای نفس مطمئنه نفس اماره بالسوء و نفس لوّامه (که برخی آن را همان وجدان اخلاقی می‌دانند) معرفی می‌کند همچنین به فرآیند شکل‌گیری پدیده‌های روانی در درون آدمی می‌پردازد که تفصیل آنها مجال دیگری می‌طلبد. در باره چیستی اخلاق هم قرآن کریم، اصل «ذاتی بودن حسن و قبح»، «عقلی بودن حسن و قبح برخی افعال»، «ثبات و جاودانگی اخلاق» و «معیار بودن تقرب الی الله در اخلاق» را ذکر کرده است.

اصل «ذاتی بودن حسن و قبح» بدین معناست که ملاک خوبی و بایستگی اخلاقی یک عمل، در خود آن عمل نهفته است نه این که فرمان الهی به لزوم انجام آن، ارزش مثبت اخلاقی بر آن عمل بار کرده باشد مثلاً چون خود راستگویی خوب بوده، حق تعالی بدان فرمان داده نه آنکه امر خدای سبحان به آن، علت خوبی آن شده باشد. در فرقه عدلیه (شیعیه و معتزله) برای اثبات حسن و قبح ذاتی افعال به آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ... وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، (نحل/۹۰) «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»، (الرحمن/۶۰) «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (اعراف/۱۵۷) و «... أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص/۲۸) تمسک کرده‌اند.^۱ اصل «عقلی بودن حسن و قبح برخی افعال» بدین مفهوم است که عقل، درستی و نادرستی و خوبی و بدی (حداقل آن افعال) و جهت و دلیل آن را می‌فهمد و در این موارد نیازی به امر و نهی شارع برای پی بردن به خوبی و بدی افعال نیست؛ مثلاً عقل آدمی خوبی و بایستگی عدل و بدی و نبایستگی ظلم را خود درک می‌کند، همین طور لزوم شکرگزاری از منعم و زشتی خیانت در امانت را می‌فهمد و نیازمند خطاب شرعی نیست. فرقه عدلیه برای اثبات این اصل افزون بر آیات پیشین، به آیاتی نظیر «اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۴۴) و «اتَّحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۷۶) و «أَفَلَا لَكُمْ وَلَدٌ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیا/۶۷) استدلال می‌کنند. قرآن کریم اصل «ثبات و عدم نسبیّت ارزش‌های اخلاقی» را با اطلاق آیاتی مانند «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنَ مَا أَجْرُهُمْ» (رعد/۲۹) که معیار سعادت‌مندی و سبب رستگاری را در هر زمان و مکان تنها ایمان و عمل صالح معرفی می‌کنند، بازگو نموده است؛ و سرانجام معیار فعل اخلاقی را تنها در قرب به حق تعالی دانسته است و آن را در ضمن آیاتی چون: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰) و «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» (فجر/۲۷) گوشزد کرده است.

۲- اخلاق توصیفی:

اخلاق توصیفی اصطلاحاً به شاخه‌ای از مطالعات اخلاقی اطلاق می‌شود که طی آن، اخلاق اقوام و ملل یا فرقه و گروهی خاص صرفاً توصیف و تشریح می‌شود و هیچ‌گونه قضاوتی درباره ارزش‌های آنان و امور پیرامونی آن ارزش‌ها صورت نمی‌گیرد. مقصود از اخلاق توصیفی در قرآن، آیاتی است که به توصیف و توضیح اخلاق و منش اقوام و افراد مختلف پرداخته است، البته قرآن کریم همواره در کنار بیان آن‌ها، به ارزش داوری پرداخته و ضمن موضع‌گیری در برابر آنها، به تبیین نظام ارزشی - رفتاری توحیدی نیز می‌پردازد. با توجه به این نکته اکنون اشاره‌ای به قلمرو مباحث اخلاق توصیفی قرآن می‌کنیم. به توصیفات قرآن درباره نمونه افراد خوب و افراد بد اشاره می‌شود: کتاب وحی تأکید خاصی بر تشریح و خلق‌وحوی و منش و رفتار پیامبران بزرگ الهی علیهم‌السلام دارد و افزون بر اوصاف اخلاقی مشترک، برخی از آنان را به فضایل ویژه‌ای ستوده است؛ مثلاً تسلیم بودن و وفادار ماندن به پیمان ابراهیم علیه‌السلام، (بقره/۱۳۱ و نجم/۳۷) شاکر بودن نوح علیه‌السلام، (اسرا/۳) بسیار راستگو بودن ادریس علیه‌السلام، (مریم/۵۶) ناصح و امین بودن (اعراف/۶۸) هود علیه‌السلام، بردبار و صادق الوعد بودن (انبیا/۸۵ و مریم/۵۴) اسماعیل علیه‌السلام، مخلص بودن موسی علیه‌السلام (مریم/۵۱) و نیکوکاری به مادر را در مورد عیسی علیه‌السلام (مریم/۳۲) یاد کرده است. همچنین به صفات زشت افرادی چون ابلیس، فرعون، قارون و قابیل و بدکاران تاریخ پرداخته است. مصحف شریف به توضیح اخلاق اقوام نیز پرداخته است: قرآن قوم نوح را به سبب فسق و طغیان، (ذاریات/۴۶ و نجم/۵۲) قوم عاد را به جهت سفاهت و افترا (اعراف/۶۶)، قوم ثمود را به علت پیمان‌شکنی و سرکشی (اعراف/۷۴ الی ۷۷)، قوم لوط را به جهت شهوت‌پرستی (اعراف/ ۸۰ و ۸۱)، قوم

مدین را به سبب کم‌فروشی و ارباب مؤمنان (شعرا/۱۸۱ الی ۱۸۳ و اعراف/۸۶) و قوم بنی‌اسرائیل را به علت قتل و ستم به انبیاء و خیرخواهان، پیمان‌شکنی، فخرفروشی، بخل، کتمان حق و بدزبانی (آل عمران/۲۱ و ۵۴ و نسا/۳۶ و ۳۷ و ۴۶) نکوهش کرده است.

۳- اخلاق دستوری (هنجاری):

اخلاق دستوری یا هنجاری مهم‌ترین شاخه از مطالعات اخلاقی است که به شکل استدلالی به توجیه و اثبات احکام و ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد. در قرآن کریم بیشتر آیات الاخلاق ناظر به این حوزه است. قرآن کریم به چند شکل و در چند قالب زبانی به تبیین احکام نظام اخلاقی اسلام پرداخته است:

۱. صیغه‌های امر و نهی، شایع‌ترین این قالب‌ها است؛ مانند: «أصلحوا ذات بینکم» (انفال/۱) یا «خذ العفو» (اعراف/۱۹۹) یا «وَلَا تُصَغِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (لقمان/۱۸)

۲. جملات خبری که عاقبت خوش یا فرجام ناگوار اعمال خوب و بد اختیاری را ذکر می‌کند مانند: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات/۴۰ و ۴۱) و نیز «فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْحَجِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات/۳۷ الی ۳۹) ۳. جملات خبری که محبوب یا مبغوض بودن عمل یا خصلتی را نزد خدا متذکر می‌شود مانند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸) یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نسا/۳۶). مدل اخلاق قرآنی، «اخلاق ایمانی» است؛ یعنی تمام نظام اخلاقی با حوزه‌های چهارگانه:

- اخلاق بندگی
- اخلاق فردی
- اخلاق خانواده

• اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی پس از ایمان و مشروط بدان است؛ به بیان دیگر برخلاف اخلاق سکولار (غیردینی) که در حیات اخلاقی فرد و جامعه، هیچ نقشی برای ایمان دینی قائل نیست، در منطق اسلام و قرآن، «ایمان به خداوند سبحان» پیش‌نیاز حیات اخلاقی و کسب فضایل به‌شمار می‌رود و در نظام مورد نظر قرآن کریم، که اخلاق توحیدی ناب است، آغاز و انجام، خداست و مبدأ حرکت خداآوری (ایمان بالله) و مقصد نهایی سلوک اخلاقی، خداجویی (تقرب الی الله و تخلّق بأخلاق الله) است. بنابراین سعادت قصوی، نیل به رضوان الهی است.

پیش از آن که حوزه‌های چهارگانه اخلاق را در قرآن بررسی شود، لازم است نکته قابل توجهی را درباره جهت‌گیری کلان اخلاقی قرآن کریم متذکر شد:

قرآن، کتاب هدایت و انسان‌سازی است و چون دفع ضرر، از جلب منفعت مهم‌تر است و از سوی دیگر معمولاً انسان‌های غافل و خو گرفته به عادات و آداب زشت و ناپسند در همه اعصار و امصار بیشتر از انسان‌های خودساخته و خداجو هستند لذا جنبه‌های آسیب‌شناسی اخلاق در قرآن پررنگ‌تر است و تأکید آن بیشتر معطوف به درمان دردهای روحی آدمی است و از این رو یکی از نام‌های قرآن «شفاء» است. با وجود آن که قرآن با مؤثرترین لحن انسان را به زیبایی‌های معنوی فراخوانده اما بر زشتی‌های رذایل اخلاقی و پیآمدهای ناگوار آنها بیشتر تأکید کرده و با تفصیل بیشتری به عناوین رذایل اخلاقی و رفتارهای ناشایست پرداخته است؛ تا جایی که در برابر ۴۰ عنوان فضایل اخلاقی (منشی و رفتاری) ۱۲۵ عنوان رذایل اخلاقی (منشی و رفتاری) ذکر شده است. قرآن کریم افزون بر طرح خود رذایل اخلاقی، به تفصیل به ریشه‌یابی آنها پرداخته و بسترهای شکل‌گیری آن رذایل را نیز متذکر شده است. پژوهشگران در برخی از پژوهش‌های قرآنی، ۴۰ بستر و

زمینه آسیب‌ها و کج‌روی‌های اخلاقی و تا دو برابر آن، فروع این زمینه‌ها را از کلام الله مجید استخراج کرده‌اند که برای ترسیم دورنمایی از آن، اکنون به ده مورد اشاره می‌کنیم:

۱- ابتلا

۲. احساس بی‌نیازی

۳. بی‌حجابی

۴. جهل

۵. تکاثر و رفاه‌طلبی

۶. قدرت‌طلبی

۷. دنیا‌طلبی

۸. عادت

۹. عجله

۱۰. غفلت از یاد خدا. (فرهنگ قرآن/ ج ۱ / ص ۲۷۴ الی ۲۸۴)

۴- تربیت اخلاقی

دو دیدگاه در باره اخلاق:

وقتی از اخلاق سخن به میان می‌آید لازم است ابتدا دیدگاه مورد نظر مشخص شود. از دو دیدگاه به اخلاق توجه شده است:

- دیدگاه نخست معطوف به علم اخلاق است.
 - دیدگاه دوم معطوف به فعل اخلاقی است.
- دیدگاه نخست در پی پاسخگویی به این پرسش است که اخلاق چگونه علمی است؟ به عقیده بطحایی گلپایگانی (۱۳۷۷) بشر دارای ابعاد مختلف جسمی، اجتماعی، اخلاقی

و...است. علم اخلاق بعد شناخت صفات و خصلت‌های روحی انسان را به عهده دارد. علم اخلاق یعنی علمی که درباره خصوصیات روحی و صفات و رفتار ناشی از خصلت‌های انسانی بحث و گفتگو می‌کند."

دیدگاه دوم، اخلاق را به‌عنوان فعل اخلاقی و صفت نفسانی تعریف می‌کند و در پی پاسخگویی به این پرسش است که اخلاق چگونه علمی است؟ "اخلاق به معنی یک صفت نفسانی یا یک هیأت راسخه یا حالتی است که در نفس انسان رسوخ دارد و موجب می‌شود که افعالی متناسب با آن صفت، بدون احتیاج به فکر کردن، از انسان صادر شود (فایضی، ۱۳۷۹، ۱۵۶). از این دیدگاه عملی اخلاقی است که انسان را در رسیدن به کمال فردی و اجتماعی و تقرب به خدا هدایت می‌کند.

بنابراین در عمل اخلاقی دو نکته وجود دارد:

۱- قصد و نیت که در حکم روح عمل است

۲- صورت و شکل عمل که در حکم جسم عمل است (بارگاهی، ۱۳۷۶).

سادات (۱۳۷۸) اخلاق را بنا به تعریف مجموعه ملکات نفسانی و صفات و خصایص روحی می‌داند. رهبر و رحیمیان (۱۳۸۱) بر این باورند اخلاق همان ملکه نفسانی است که از دیدگاه اسلام بر ایمان و تعبد و تسلیم در برابر آفریدگار جهان متکی است و بدین ترتیب جوهره آن یک حقیقت بیش نیست، اما در عینیت و عمل جلوه‌های مختلف دارد و در هر یک از روابط چهارگانه انسان قابل تصور است:

الف) در رابطه با خدا:

انسان مخلوق خدا و نیازمند به اوست. از مقاصد تربیت این است که آدمی را با خدایش آشنا سازد. در این راه ضروری است که تصفیه روحی در انسان صورت گیرد تا با خودآگاهی با خدا ارتباط پیدا کند. بندگی، خضوع، خشوع، پرستش، اخلاص و شکر منعم در رابطه با خدا عنوان می‌شوند. نیکزاد (۱۳۷۱) اظهار می‌دارد که انسان همچون سایر موجودات و عناصر جهان هستی، وظیفه و رسالتی بر دوش دارد. وظیفه او درک مبدأ آفرینش و حرکت به سوی مبدأ آفرینش است.

ب) در ارتباط با خود:

در این جنبه سعی بر آن است که از راه ایجاد دگرگونی‌ها در فرد، او را به مراحل عالی‌تری از تکامل رساند تا با عزمی راسخ پیش رود و به بلندترین نقطه کمال برسد. در رابطه با خود، آراستگی و انصاف به فضایل نفسانی مطرح است که بخشی از مباحث اخلاق را تشکیل می‌دهد.

ج) در ارتباط با مردم:

انسان موجودی اجتماعی است، در میان جمع رشد می‌کند و پرورش می‌یابد؛ بنابراین باید ضوابط حیات اجتماعی را بشناسد و آن را رعایت کند. اخلاق اجتماعی شامل احسان، محبت، عدالت، تواضع، ایثار و نوع دوستی می‌شود.

(د) در رابطه با جهان:

زمین چون گهواره‌ای است که آدمی در آن آرام گرفته و به حیات خویش ادامه می‌دهد. چون آفاق جلوه‌گاه آیات خداست، باید با مظاهر طبیعت در نهایت ادب و اخلاق برخورد کرد. این جنبه شامل دقت در آفریده‌های خالق، صرفه‌جویی در منابع طبیعی و آبادانی و... می‌شود. روابط یاد شده در روایتی از امام صادق (ع) (به نقل از رهبر و رحیمیان، ۱۳۷۸) با اندک تفاوتی بدین گونه بیان شده است که همه رفتارهای انسانی به چهار اصل بازگشت دارد، رفتار با خدا، با خود، با مردم و با دنیا و هر کدام هفت شاخه دارد.

اهداف اخلاقی مصوب متوسطه دوره اول:

عمل فرد در چارچوب ارتباط‌های مذکور بر پایه تجارب و آموزش‌های کسب شده شکل می‌گیرد. گر چه بخشی از تجارب طی حیات فردی حاصل می‌شود، اما بخش قابل توجهی از آنها از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی به دست می‌آید. آنچه حائز اهمیت است برنامه‌ریزی در آموزش‌های رسمی بر اساس دوره تحصیلی تنظیم می‌شود. یکی از دوره‌های حائز اهمیت، از حیث اثربخشی، دوره متوسطه اول است. لذا محتوای انتخاب شده برای کتاب‌های درسی این دوره قاعدتاً محتوایی مناسب است؛ و دارای اثرگذاری وسیع و عمیق است به همین دلیل نیازمند حساسیت و دقت فراوان است و باید بر پایه برنامه‌های دقیق تهیه شود.

نقش اخلاق، در اصلاح زندگی انسان و حل مشکلات شخصی و اجتماعی او، دلیل کافی برای ضرورت فراگیری آن است. تمامی پیشرفت‌های علمی انسان در صورتی که با

اصلاح درون همراه نباشد، نابسامانی‌هایی را به دنبال خواهد داشت. آموزش و پرورش وظیفه دارد ارزش‌های اخلاقی را به‌طور مستقیم و آگاهانه به یادگیرنده منتقل نماید. هرچند گاه از خلال این انتقال، ارزش‌ها و مسایلی نیز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم منتقل شود. پیام‌های اخلاقی نیز گاهی یک فرد و گاهی جمعی از دانش‌آموزان را مورد خطاب قرار می‌دهد و راه زندگی کردن را به آنها می‌آموزد.

از اهم وظایف مدرسه این است که فعالیت‌ها و تجارب یادگیری را چنان پیش‌بینی، تنظیم و ارائه کند که یادگیری موردنظر در یادگیرندگان بوجود آید و هدف‌های آموزشی تحقق پیدا کند. بر این اساس اهداف اخلاقی مصوب دوره متوسطه اول به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- راستگو، امانت‌دار و رازنگهدار است.

۲- به ارزشهای اخلاقی علاقه نشان می‌دهد.

۳- به ارزش‌ها و توانایی‌های خود آگاه است و سعی در پرورش آنها دارد.

۴- دختری عفیف و باحیا و پسری شجاع و غیور است.

۵- اطاعت از والدین را وظیفه می‌داند.

۶- برای انجام کارهای خود شخصاً اقدام می‌کند و خود را از مشورت دیگران بی‌نیاز نمی‌داند.

-
- ۷- به دیگران کمک می کند و در رفع ضعف های آنها می کوشد.
 - ۸- از لباس های مناسب اسلامی ایرانی استفاده می کند.
 - ۹- اوقات فراغت خود را با فعالیت های مناسب پر می کند.
 - ۱۰- وضع ظاهری خود را با توجه به موازین دینی و اجتماع مرتب می کند.
 - ۱۱- توانایی عفو کردن دیگران در او بوجود آمده است.
 - ۱۲- با دقت در اعمال خود نسبت به دیگران زمینه اشتباه و خطای آنها را در مورد خود از بین می برد.
 - ۱۳- رعایت احترام به دیگران را در صحبت با آنها لازم می داند و با جملات احترام آمیز سخن می گوید.
 - ۱۴- کاری از دیگران خواستن را مگر در صورت ناچاری امری ناپسند می داند.
 - ۱۵- به پیشرفت کشور خود و هم وطنانش اهمیت می دهد و یکپارچگی ملی را با ارزش می داند.
 - ۱۶- استفاده از تجربه بزرگترها را برای پیشرفت خود و دیگران لازم می داند.
 - ۱۷- قبل از عمل فکر می کند.
 - ۱۸- به انتقاد از خود و دیگران اهمیت می دهد.

۱۹- خوب را از بد تشخیص می‌دهد و گرایش به خوبی دارد.

۲۰- رفتاری متعادل دارد و سعی می‌کند بر احساسات خود تسلط یابد.

۲۱- به رعایت نظم و انضباط عادت کرده است.

۲۲- رعایت قانون را برای حفظ حقوق همه لازم می‌داند. (صافی، ۱۳۸۰: ۹۵-۹۶).

سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران:

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که به چشم‌انداز برنامه‌ها اشاره شده آمده است: نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و قوام‌بخش آن‌ها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در تراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی - ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مربیان و مدیران مؤمن آراسته به فضائل اخلاق اسلامی عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شناس.

مدرسه در افق چشم‌انداز سال ۱۴۰۴

مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه‌ی خدمات و فرصت-های تعلیم و تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی‌های زیر است.

۱- تجلی‌بخش فرهنگ غنی اسلامی، انقلابی در روابط و مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران: به‌ویژه تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، کرامت نفس، امانت‌داری، خودباوری، کارآمدی، کارآفرینی، پرهیز از اسراف و وابستگی به دنیا، همدلی، احترام، اعتماد، وقت‌شناسی، نظم، جدیت، ایثارگری، قانون‌گرایی، نقادی و نوآوری، استکبارستیزی، دفاع از محرومان و مستضعفان و ارزش‌های انقلاب اسلام.

۲- نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله.

۳- برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در

چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی.

۴- نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرآیند زندگی

فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی.

۵- دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعدادهای متنوع

فطری و پاسخ‌گویی به نیازها، علائق و رغبت دانش آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی.

- ۶- یادگیرنده، کمال‌جو، خواستار تعالی مستمر فرصت‌های تربیتی، تسهیل‌کننده‌ی هدایت، یادگیری و تدارک بیننده‌ی خودجوش ظرفیت‌های جدید در خدمت تعلیم و تربیت.
- ۷- خود ارزیاب، مسئول و پاسخگو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی.
- ۸- تأمین‌کننده‌ی نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، بانشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی.
- ۹- برخوردار از مربیان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای با هویت یکپارچه توحیدی بر اساس نظام معیار اسلامی.
- ۱۰- مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر، مشارکت‌جو.
- ۱۱- متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهیم و مؤثر و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان با تأکید بر مربیان، دانش‌آموزان و خانواده.
- ۱۲- برخوردار از بهره‌فناوری آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات).
- ۱۳- دارای ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ۱۴- دارای تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانون‌های محلی نظیر فرهنگ‌سرا، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و مؤثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان. دارای پیوند مؤثر با موضوعات و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی با حضور فعال در حیات اجتماعی.

مفهوم تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده. با توجه به این که در مورد تعریف تعلیم و تربیت گذشته از تعریف یاد شده، نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است، جهت آشنایی بیشتر خوانندگان، تعریف آن را از زبان چند صاحب نظر این علم (یا فن) بیان می‌داریم. بدیهی است که این صاحب نظران با توجه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته‌اند. افلاطون (۴۲۷-۳۴۶ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادها و طبیعی و شکوفا ساختن آنها. ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت مجموعه‌ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌گیرد. فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله یک فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه‌ی فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. بوعلی سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳-۴۲۸ هـ. ق) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی. از آرای تربیتی غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هـ. ق) استفاده می‌شود که تعلیم و تربیت در دیدگاه ایشان عبارت است از نوعی تدبیر نفس و باطن از طریق اعتدال بخشی تدریجی به قوا و تمایلات به وسیله‌ی معرفت، ریاضت استمرار، برای نیل به انس و قرب الهی. در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده

کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ ازاین‌رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی‌توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن‌طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می‌دهند. از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعداد‌هایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعداد‌های او است و این استعداد‌ها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع.

موضوع تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی‌ها و خصوصیات است که در مُتربی به‌عنوان یک انسان صورت می‌گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است. لازمه‌ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعداد‌های انسان است و به گفته‌ی بعضی از صاحب‌نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است. ازاین‌رو، در آغاز کتب اخلاق از قبیل تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری، جامع السعادات و معراج السعادة موضوع معرفت نفس یا تجرّد نفس و قوای نفسانی مطرح گردیده است. البته بحث گسترده در مورد اثبات نفس و تجرّد آن در

حکمت نظری یا فلسفه صورت می‌گیرد و در علم اخلاق به‌عنوان مبادی و اصول موردپذیرش واقع می‌شود. به‌طور کلی محور تعلیم و تربیت، روح و روان آدمیان است؛ چنان‌که جسم و ساز و کار آن در حیطه‌ی کار پزشکان است. هر چند بحث مبسوط درباره‌ی انسان در این مختصر نمی‌گنجد، ولی لازم است خطوط کلی انسان‌شناسی در ارتباط با تعلیم و تربیت را به اختصار و فهرست وار یادآور شویم. این خطوط کلی عبارتند از: ۱- انسان، مرکب است از روح و بدن و سر و عین. ۲- اصالت از آن روح آدمی است و روح، مجرد و مرتبط با عالم قدس است. ۳- میان جسم و روح آدمی، روابط مستحکمی وجود دارد. ۴- روح دارای قوای اصلی ادراکی، تمایلی، آزادی، توانایی و تحریکی است. ۵- انسان در همه ابعاد، در آغاز «استعداد» و «قوه» است و قابلیت رشد و فعلیت دارد. ۶- موضوع تعلیم و تربیت، روح انسان است از آن نظر که دارای استعداد و قوه است و باید به فعلیت مطلوب برسد و بدن هم نقش «اعدادی» دارد. ۷- جهان بینی‌ها و انسان‌شناسی‌ها، در ایدئولوژی، اخلاق و تعلیم و تربیت، تأثیر مهم و منطقی و نقش تأمی دارند. ۸- در جهان بینی و انسان‌شناسی اسلام، کمال اصلی انسان «تقرب به حق» است و نیز میان دنیا و آخرت رابطه‌ای برقرار است که باید در همه‌ی شؤون منظور شود.

اهمیت تعلیم و تربیت:

درباره اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو آن است. تعلیم و تربیت صحیح، شرط لازم کمال آدمی است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود فرشته‌خو می‌گردد، و گاه از

فرشتگان فراتر می‌رود و گرنه به قهقرا رفته، به مرتبه‌ی حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت صحیح است. نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند. ثمره‌ی تعلیم و تربیت صحیح به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه جامعه را هم متحول می‌کند. با نگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح رخ می‌نماید؛ زیرا هر چند در نفس آدمی گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، فجور و تقوا به او الهام گردیده است، اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر و سعادت و کمال، کفایت نمی‌کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می‌آید. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود آموزش و پرورش آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد. انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیرممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه‌ی تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد.

رابطه ی تعلیم و تربیت:

چنان که می دانیم کلمه ی تعلیم به معنی آموزش، و کلمه ی تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می رفت. در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و معنی را می رسانند یا آن که هر کدام بر عمل خاصی اطلاق می شوند و از یکدیگر جدا هستند، اختلاف است. معمولاً در نظر عامه ی مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می شوند: تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع ها و مهارت های خاص به دانش آموزان و دانشجویان گفته می شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی و تربیت یا پرورش، به آموزش های دینی و اخلاقی و انسان بار آوردن دانش آموزان و دانشجویان؛ ولی در روان شناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد. هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است. مربی یک کار بیشتر انجام نمی دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش آموز (یا مربی) است؛ اگر چه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) تعبیر کرد. از سوی دیگر با نگرش دقیق در تعریف تربیت، می توان دریافت که تربیت هم مستلزم نوعی تعلیم است و مربی باید مربی را با حقایقی آشنا کند تا مربی با

عمل به آن‌ها به رشد و پرورش ابعاد مختلف روحی و معنوی خود پردازد. بدین جهت می‌توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است. در قرآن کریم هر جا سخن از رسالت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) به میان آمده، تلاوت، تزکیه و تعلیم در کنار هم قرار گرفته و جز در یک مورد یعنی دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سایر موارد، تزکیه بر تعلیم مقدم گردیده است. تقدم تزکیه بر تعلیم، تقدم رتبی است نه زمانی؛ بدین معنی که تربیت و تهذیب و تزکیه نفس، نسبت به آموزش‌های فکری و ذهنی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تربیت‌پذیری انسان:

اندیشمند فرزانه احمد بن مسکویه (متوفای ۴۲۱ هـ ق) پس از تعریف خلق و تقسیم آن به دو قسم: طبیعی و مستفاد (یا اکتسابی) به اختلاف آرای پیشینیان در مورد امکان تغییر خلق و تربیت آدمی اشاره نموده و نظریه امکان تغییر خلق و تربیت‌پذیری انسان را اختیار می‌کند و می‌گوید: این دیدگاه که اخلاق آدمی قابل تغییر نیست، خط بطلانی است بر نیروی تمیز و تعقل، و کنار گذاشتن شیوه‌های تربیتی و رها کردن مردم به حال خود و این‌که در مورد آنان هیچ گونه تعلیم و تربیتی صورت نگیرد و این، کاری است که زشتی آن بسیار آشکار است. اساساً از خصوصیات آدمی «تحول و تطور پذیری» و قابلیت شکل‌گیری‌های گوناگون شخصیت است. انسان به گونه‌ای آفریده شده است که می‌تواند با آگاهی و آزادی در محدوده‌ای نسبتاً گسترده راه خویش را برگزیند: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان / ۳) و در همان راه منتخب خود، شخصیت و هویت فکری،

اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل بخشد. اگر تکامل پذیری و قابلیت تغییر در طبیعت و گوهرو وجود آدمی نبود، علم اخلاق و علوم تربیتی و مکاتب تربیتی همه بی معنا بود. مختار بودن انسان، نخستین اصل از اصول موضوعه و مبادی نظام اخلاق اسلامی است و این اصل از نظر تربیتی، اهمیتی فراوان دارد و آدمی را از سستی و تنبلی و این که خود را محکوم عوامل جبری از قبیل جبر محیط یا جبر تاریخ یا قانون وراثت بداند و از خود سلب مسؤولیت کند، دور می سازد. از این رو در بررسی نظام اخلاقی اسلام، بیش از هر چیز باید بر اختیار انسان تکیه کنیم و در فهم معارف اسلام از قبیل توحید، قضا و قدر و دیگر معارف که سهل انگاری در آنها ممکن است خسارت بار و انحراف آور باشد، کاملاً توجه داشته باشیم که مختار بودن انسان از بدیهی ترین اصول اخلاقی اسلام و از محکم ترین معارف اسلامی است، چرا که سراسر قرآن شهادت می دهد که با انسان به عنوان موجودی مختار سر و کار دارد. اصولاً خودسازی و تزکیه و تهذیب اخلاق وقتی برای انسان میسر است که معتقد به توانایی خود در به دست آوردن کمالات و ارزش ها باشد.

ویژگی های تربیت اسلامی:

۱- الهی بودن: سرچشمه ی تربیت اسلامی، وحی و تعالیم آسمانی است. قرآن کریم، کتاب تربیت و هدایت است و در این تردیدی نیست که هیچ کتابی به پایه ی قرآن کریم نمی رسد و تربیت اسلامی، تربیتی الهی است. قرآن کریم تأکید می کند که تربیت و تزکیه ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جنبه ی الهی و منشأ وحیانی دارد: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا

من قبل لفی ضلال مبين. جمعه/ ۲ اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان بر انگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت می کند و آنان را تزکیه می نماید و کتاب و حکمت می آموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران و افضل آنان است، به طور مستقیم با منبع وحی مرتبط بود و خود نیز تحت تربیت ویژه الهی قرار داشت. به عبارت دیگر خدای سبحان، پیش از آن که این مربی بزرگ بشریت را مبعوث کند، او را از دوران کودکی تحت پوشش خاص تربیتی خود قرار داده و بزرگ ترین فرشته خود را با او همراه ساخته بود تا وی را به سلوک در مسیر مکارم و محاسن اخلاقی رهنمون شود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: و لقد قرن الله به (صلی الله علیه و آله و سلم) من لدن ان كان فطيما اعظم ملك من ملائكة يسلك به طريق المكارم و محاسن اخلاق العالم، ليله و نهاره. خدای متعال او را از هنگامی که از شیر باز گرفته شد با بزرگ ترین فرشته ای از فرشتگان خود (روح القدس یا جبرئیل) همراه ساخت تا او را همواره شب و روز در طریق ارزش ها و اخلاق نیکوی عالم رهنمون گردد. علی (علیه السلام) نیز که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگ ترین مربی بشریت است، خود را تابع و تربیت یافته ی مکتب تربیتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می کند و می فرماید: و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه، يرفع لي في كل يوم من اخلاقه علما و يأمرني بالافتداء به ... من همواره همراه و ملازم او بودم. چنان که بچه شتر همواره ملازم مادر است و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز پرچمی (و به اصطلاح تابلویی) از اخلاق خود را پیش رویم فرا می داشت و مرا به پیروی از آن فرمان می داد. البته رهنمودهای پیشوایان معصوم علیهم السلام که از آن به

«سنت» تعبیر می‌شود، نیز منبع بسیار گسترده و غنی تربیت اسلامی است، زیرا قول، فعل و تقریر این مریان بزرگ الهی درحقیقت به سرچشمه‌ی وحی متصل و سازنده و ثمر بخش است.

۲- شمول و جامعیت: مکاتب مختلف تربیتی هرکدام به یک جنبه از ابعاد وجودی انسان، توجه و از ابعاد دیگر غفلت کرده اند. در یک مکتب فلسفی که احیاناً در مورد ارزش شناسی هم نظرمی دهد، چیزی جز چند اصل یا نظریه در مورد واقعیت جهان و حقیقت انسان و مبحث شناختی و ارزش شناسی وجود ندارد. با این که اسلام یک مکتب فلسفی و قرآن یک کتاب فلسفی یا روان شناسی یا جامعه شناسی به معنای مصطلح نیست، ولی مشحون از اندیشه های فلسفی، تربیتی و جامعه شناسی است. در قرآن کریم درباره جهان، انسان، خدای مهربان، سرگذشت اقوام و ملل، فلسفه تاریخ، علل ترقی و سقوط تمدن ها، هدایتگری پیامبران و انحطاط کافران و مشرکان در اندیشه و عمل سخن رفته است. برنامه های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد وجودی انسان می شود و تمام نیازهای آدمی اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است.

۳- هدایتگر: از ویژگی های بازر تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است. قرآن، کتاب تربیت و هدایت است و درباره این نقش خود می فرماید: ۱- ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (بقره / ۲) این است کتابی که در (حقانیت) آن هم تردیدی نیست؛ و مایه ی هدایت تقوا پیشگان است.

۲- قد جاء تکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمۃ للمومنین (یونس / ۵۷) ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان (به خدا) آمده است.

۴- خرد پروری: یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته‌ی نظام تربیتی اسلام، تأکید فراوان بر روی عنصر عقل و خرد است. در اسلام هم تعلیم و تربیت، عبادت است و هم تفکر. بلکه تفکر بالاترین و برترین عبادت به شمار آمده است «افضل العبادۃ التفکر» یا «لا عبادۃ کالتفکر» یا «کان اکثر عبادۃ ابي ذر التفکر» با تفکر- صرف نظر از نتایج آن برای آدمی- خود فکر نیز رشد می‌کند و توسعه می‌یابد. در قرآن کریم در بیش از ۱۸ آیه درباره تفکر و در ۴۹ آیه در مورد تعقل و در ۱۶ آیه در مورد اولواالباب، سخن گفته شده است. یکی از تعابیر تربیتی قرآن، «تزکیه» است. معنای لفظی تزکیه، پاکیزه گردانیدن و رشد دادن است و مشتمل بر تربیت و پرورش است. قرآن کریم در مورد نقش خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)- که مربی بزرگ الهی است- سه تعبیر آورده است: تلاوت، تزکیه و تعلیم: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (جمعه / ۲) یعنی اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آن تلاوت می‌کند و آنان را تزکیه می‌نماید و کتاب و حکمت می‌آموزد. از نظر اسلام، تعلم بدون تفکر و تعقل، کافی نیست، تفکر بر روی مواد و مطالب فراگرفته شده نیز لازم است. با توجه به اهداف فوق، محتوای کتاب‌های دوره متوسطه اول باید به گونه‌ای تنظیم شود که در بر گیرنده ارزش‌های اخلاقی باشد و پیامدهای اخلاقی به گونه‌ای به دانش آموزان ارائه شود که آنها را در نیل به اهداف

اخلاقی متوسطه دوره اول یاری دهد. ساروخانی (۱۳۷۸) بیان می‌دارد آموزش و پرورش، عامل رسمی انتقال دانش و فرهنگ به نسل جوان و تضمین کننده بقا و ثبات جامعه است. به عبارت کلی تر، جامعه در معنای ارثیه ملی، آداب و سنن، مداومت و ثبات توصیف می‌شود و تعلیم و تربیت به مفهوم انتقال دانش و ارزش‌های فرهنگی، یکی از وسایل مهم تضمین این ثبات و بقا است. آموزش و پرورش وظیفه دارد ارزش‌هایی را به طور مستقیم و آگاهانه به نوجوان یا یادگیرنده منتقل نماید. هرچند گاه از خلال این انتقال، ارزش‌ها و مسائلی نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم منتقل شوند. ارزش‌ها از طریق مثال‌هایی که بزرگترها می‌زنند یا توصیه‌هایی که می‌کنند، شکل می‌گیرد. ارزش‌ها در مدارس آموزش داده می‌شوند، گاه از طریق آموزش مستقیم و گاه از طریق اشارات ضمنی که در محتوای مطالب به ویژه در ادبیات و تاریخ نهفته است. در کتاب‌های درسی برای تقویت این ارزش‌ها، از رفتار و گفتار معاصران مثال می‌آورند. بدون شک در هیچ جامعه‌ای اتفاق نظر جامع و فراگیری درباره ارزش‌ها وجود ندارد. با این همه، گاه اتفاق نظر قابل توجهی به وجود می‌آید که بسیاری ارزش‌های بنیادین و اساسی را در بر می‌گیرد (شیلز، ترجمه ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۱). پیام‌های اخلاقی گاه یک فرد و گاهی جمعی از دانش‌آموزان را مورد خطاب قرار می‌دهد و راه زندگی کردن را به آنها می‌آموزند. بنابراین، محتوای دروس دوره متوسطه اول قاعدتاً حاوی ارزش‌های اخلاقی است تا از طریق مطالعه این کتاب‌ها، نوجوان در معرض ارزش‌ها قرار گیرد. لذا انتخاب محتوای کتب دوره متوسطه اول دارای اهمیت زیادی است. محتوای انتخاب شده از درجه بالای اهمیت برخوردار است، آرا، مفاهیم، اصول و تعمیم‌های اساسی به منظور تحقق هدف‌های برنامه درسی در محتوا طرح شده‌اند. محتوا باید

باعث رشد توانایی‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان شود. محتوا نباید صرفاً بر اساس جنبه‌های شناختی انتخاب شود، بلکه به ابعاد عاطفی و روانی حرکتی نیز باید توجه شود (ملکی، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در حیطه‌های سه گانه:

سطوح ششگانه	حیطه شناختی هدف کلی آموزشی (نتایج یادگیری)	فعل‌های رفتاری (به صورت حال ساده و سوم شخص)
دانش	اصطلاحات متداول را می‌داند. مفاهیم اساسی را می‌داند. روش‌ها را می‌داند.	تعریف می‌کند. توصیف می‌کند - مشخص می‌کند - فهرست می‌کند - نام می‌برد - تکرار می‌کند - بیان می‌کند - جود می‌کند - نسخه‌برداری می‌کند.
درک و فهم	اصول را می‌فهمد. تئوری‌ها را می‌فهمد. قوانین را می‌فهمد.	مثال می‌زند - حل می‌کند - ترجمه می‌کند - تمیز می‌دهد - تخمین می‌زند - توضیح می‌دهد - بسط می‌دهد - تعمیم می‌دهد - بازنویسی می‌کند - خلاصه می‌کند - پیش‌بینی می‌کند.
کاربرد	مفاهیم و اصول را در موقعیت جدید به کار می‌برد قوانین و نظریه‌ها را در	تغییر می‌دهد - محاسبه می‌کند - نمایش می‌دهد - کشف می‌کند - اندازه‌گیری می‌کند - کنترل می‌کند

	موقعیت‌های عملی بکار می‌گیرد	
تجزیه و تحلیل	ساختار یک اثر هنری را تجزیه و تحلیل می‌کند. جداول و نمودار هار را تجزیه و تحلیل می‌کند. یک متن ادبی را تجزیه و تحلیل می‌کند.	به اجزا تقسیم می‌کند - با نمودار نشان می‌دهد - مجزا می‌کند - تجزیه می‌کند - تفکیک می‌کند - هجی می‌کند.
ترکیب	اصول و قواعد را با یکدیگر ترکیب می‌کند طرح جدیدی ابداع می‌کند مطالب را با یکدیگر ترکیب می‌کند	طبقه‌بندی می‌کند - درهم می‌آمیزد - انشاء می‌کند - بازنویسی می‌کند - سخنرانی می‌کند - داستان می‌نویسد - شعر می‌سراید - تجدید سازمان می‌کند - مدون می‌کند - نمودار تهیه می‌کند - گروه‌بندی می‌کند .
ارزشیابی	یک اثر هنری را ارزشیابی می‌کند روش‌های تدریس را ارزشیابی می‌کند قوانین یادگیری را ارزشیابی می‌کند	ارزیابی می‌کند - مقایسه می‌کند - نتیجه‌گیری می‌کند - انتقاد می‌کند - ربط می‌دهد - قضاوت می‌کند - داوری می‌کند.

طبقات (سطوح) حیطه شناختی:

ترکیب: ترکیب قسمت‌های مختلف، حاصل از تجربیات و یادگیری‌های گذشته و ارائه یک کل جدید و مناسب
^۱ تجزیه و تحلیل: تقسیم یک موضوع، مطلب یا پدیده به اجزاء تشکیل دهنده آن، پی بردن به روابط بین اجزا و نحوه‌ی سازمان یافتن آن
کاربرد: کاربرد آنچه یاد گرفته در موقعیت جدید
فهم: ترجمه، تفسیر، خلاصه کردن مطالب، بیان آنچه فرد به خاطر سپرده از زبان خود.
دانش: کسب دانش و معلومات، یادآوری و بازشناسی آنچه فرد قبلاً به خاطر سپرده است.

حیطه عاطفی:

شامل رفتارهایی است که به علایق، احساسات، ارزش‌ها، اخلاقیات و عواطف مربوط می‌شود و سطوح آن عبارتند از: توجه کردن، واکنش نشان دادن، ارزش‌گذاری، سازمان‌بندی کردن، متبلور ساختن.

سطح توجه (دریافت): در این سطح منظور این است که فرد نسبت به وجود پدیده‌ها یا محرکات آگاه و حساس بوده و مایل به دریافت یا توجه به آنها می‌باشد. مانند محترمانه

به سخنرانی دیگران گوش کردن، آگاهی از جنبه‌های زیبایی در پوشاک یا مبلمان و میل به دیدن سطحی آنها، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی در میان مردم.

واکنش نشان دادن (پاسخ): در سطح واکنش از توجه صرف عبور کرده و به اندازه لازم نسبت به پدیده انگیزه پیدا کرده است و درواقع توجه او فعالانه و عمیق شده است مانند میل شدید به عمل کردن به توصیه‌های بهداشتی، جستجوی داوطلبانه کتاب‌های مورد دلخواه، با شوق و ذوق به دیدن مبلمان رفتن گویی که در آستانه خرید هستم. در این سطح واکنش‌ها ممکن است اجباری، داوطلبانه و داوطلبانه همراه با پشتوانه عاطفی بالا باشد.

ارزش‌گذاری (درونی کردن ارزش‌ها یا تمایلات یا میل‌ها): در این مرحله فرد به پدیده توجه دارد، میل شدید نسبت به پذیرش آن در او بوجود آمده است و آن را می‌پذیرد یا درونی می‌کند. به عقیده او تبدیل می‌شود رعایت نکات بهداشتی را ارزشمند می‌داند و آن را درونی می‌کند و خود را مقید به رعایت آن‌ها می‌داند. یا رشد احساسات نوع دوستی نسبت به گروه‌های اجتماعی با خرده فرهنگ‌های متفاوت.

سازمان‌بندی کردن ارزش‌ها یا تمایلات: ادغام کردن ارزش‌های درونی شده با همدیگر توسط فراگیر، سازمان‌بندی آنها، رفع تعارضات بین آنها و رسیدن به یک قالب یا نظام ارزشی منسجم و پایدار، به زبان دیگر آن گونه تمایل پیدا کرده و پذیرفتن که خود را به آن مسلح می‌کند؛ مانند میل به برنامه‌ریزی نمودن برای تنظیم کردن زمان استراحت و

فعالیت‌های آموزشی، داوری نسبت به مسئولیت جامعه در مورد حفظ و حراست از نیروهای انسانی و مادی.

متبلور ساختن ارزش‌ها (تمایلات درونی شده): در این مرحله ارزش‌های درونی شده و سازمان‌یافته، در رفتار فرد انعکاس می‌یابند و نظام ارزشی که فری آن را در درون خود سازمان داده است به فلسفه زندگی او تبدیل می‌شود یعنی آنچه را که آموخت، میل اولیه پیدا کرد، با علاقه‌مندی جویای آن‌ها شد و آنها را درونی کرد و دیگر تمایلات خود ادغام نمود، رفع تعارض کرد و به نظام ارزشی منسجمی رسید، حال این ارزش‌های قالب گرفته در شخصیت او و در فلسفه زندگی او متبلور یا نمایان می‌شوند؛ مانند اعتماد فزاینده به روش علمی برای بررسی مسائل جامعه و...

سطوح عاطفی:

متبلور ساختن ارزش‌ها (تمایلات درونی شده): انعکاس یافتن یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها به‌طور دائمی در رفتار فرد، تبلور ارزش‌ها در شخصیت و درآمدن آن‌ها به‌صورت فلسفه زندگی

سازمان‌بندی کردن ارزش‌ها یا تمایلات: ادغام ارزش‌های مختلف، رفع تعارضات میان آنها، ایجاد یک نظام ارزشی منسجم و پایدار

ارزش‌گذاری (درونی کردن ارزش‌ها یا تمایلات یا میل‌ها) درونی

کردن ارزش‌های معین، رفتار یادگیرنده حاکی از یک عقیده یا گرایش است.

واکنش نشان دادن (پاسخ): پاسخ دادن به‌طور فعال و احساس رضایتمندی در انجام یک فعل

توجه (دریافت): آگاهی و توجه سطحی یا غیرفعال نسبت به یک پدیده یا محرک

هدف‌های کلی آموزشی و فعل‌های رفتاری در حیطه عاطفی:

سطوح شش‌گانه	هدف‌های تربیتی	فعل‌های رفتاری
دریافت (توجه)	نسبت به اهمیت یادگیری تمایل نشان دهد با دقت به فعالیت‌های کلاس توجه کند.	می‌پرسد، انتخاب می‌کند، دنبال می‌کند، گوش می‌کند، سؤال می‌کند.
واکنش	از مطالعه لذت می‌برد. برای انجام کارهای ویژه داوطلب می‌شود.	موافقت می‌کند، کمک می‌کند، پاسخ می‌دهد.
ارزش‌گذاری	به نقش معلم در زندگی روزمره ارج می‌نهد. نسبت به پیشرفت جامعه احساس تعهد می‌کند.	پیش‌قدم می‌شود، تحسین می‌کند، تشکر می‌کند، دعوت می‌کند.

سازمان‌بندی ارزش‌ها	نقش برنامه‌ریزی منظم در حل مسائل را می‌شناسد. مطابق علایق، توانایی‌ها و اعتقادات خویش برنامه‌ای برای زندگی خود تنظیم می‌کند.	صرف داری می‌کند، اصلاح می‌کند، منظم می‌کند، تعمیم می‌دهد، تعدیل می‌کند.
تبلور ارزش‌ها	برای انجام کار مستقل از خود اعتماد به نفس نشان می‌دهد. عادات خوب بهداشتی را حفظ می‌کند.	تحت نفوذ قرار می‌دهد، ممیزی می‌کند، خدمت می‌کند، تجدیدنظر می‌کند.

حیطه روانی - حرکتی:

حیطه روانی حرکتی آن بخش از هدف‌های آموزشی را شامل می‌شود که در جهت افزایش توانایی‌های عضلات و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها. به زبان دیگر این بخش از هدف‌های آموزشی به گونه‌ای است که انجام آن‌ها نیازمند همکاری اعصاب (سیستم عصبی) و ماهیچه‌هاست. مهارت‌هایی مانند: نوشتن، دویدن، خیاطی کردن، رانندگی کردن، کار آزمایشگاهی انجام دادن، نقاشی کردن و... سطوح آن عبارتند از: مشاهده و تقلید کردن، مستقل اجرا کردن، دقت کردن همراه با سرعت، با هماهنگی انجام دادن، عادی شدن.

مشاهده و تقلید کردن: حالتی است که که فرد بدون کمک و راهنمایی دیگران نمی‌تواند کاری را که جنبه حرکتی دارد درست انجام دهد؛ اما او می‌تواند با مشاهده ی مراحل مختلف یک مهارت که توسط مربی انجام می‌شود، تقلید نموده و آن را انجام دهد.

مستقل اجرا کردن: در این مرحله سطح یادگیری از مرحله قبلی مقداری بالاتر است و میزان وابستگی یادگیرنده به مربی بسیار ناچیز است؛ اما نظارت و هدایت مربی ادامه دارد. به زبان ساده تر انجام عمل بدون وابستگی به مربی اما با نظارت او.

دقت کردن همراه با سرعت: در این مرحله فراگیر کار را با سرعت و ظرافت بیشتر از مرحله قبل انجام می‌دهد، اشتباهات خود را کاهش می‌دهد اما نظارت و راهنمایی مربی همچنان کارساز است، این مرحله در واقع انجام عمل با سرعت و رقت بیشتر از مرحله قبل اما هم چنان با نقش داشتن مربی در انجام کار.

با هماهنگی انجام دادن (هماهنگی حرکات): هماهنگی حرکات، یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال، بارعایت نظم و کارایی لازم. در این سطح از یادگیری فراگیر توانایی انجام دادن هماهنگ چندین حرکت را به‌طور همزمان دارد. مثلاً در حالی که متنی را می‌خواند، بدون نگاه کردن به دکمه های کیبورد کامپیوتر، تایپ می‌کند. درواقع ایجاد هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال مرتبط است.

عادی شدن: در این سطح فراگیر به طور خودکار به انجام کار یا فعالیت مورد نظر به راحتی و عادی می‌پردازد؛ مانند رانندگی کردن به‌طور عادی و انجام عملیات لازم به اقتضای شرایط به‌صورت خودکار.

طبقات اصلی در حیطه مهارتی – حرکتی:

عادی شدن: انجام دادن اعمال به طور موزون دقیق، به راحتی و به‌صورت عادی
هماهنگی حرکات: ایجاد هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال مرتبط
سرعت و دقت: انجام عمل با سرعت و دقتی بیشتر از مرحله پیش اما با نظارت مربی
اجرای مستقل: انجام عمل بدون وابستگی به مربی ولی با نظارت وی
مشاهده و تقلید: مشاهده مراحل مختلف یک مهارت که توسط مربی انجام می‌شود، تقلید نحوه انجام آن

هدف‌های کلی آموزشی و فعل‌های رفتاری در حیطه مهارتی:

سطوح شش گانه	هدف‌های تربیتی	فعل‌های رفتاری
تقلید	با کمک استاد کار تراشکاری می‌کند از حیث جسمی برای تراشکاری آمادگی دارد	تمرین می‌کند، اشتباه خود را رفع می‌کند، بسته بندی می‌کند و...
اجرای مستقل	با اتکا بیشتر به خود نسبت تراشکاری می‌کند به تنهایی نقاشی ساختمان را انجام می‌دهد.	رنگ می‌کند، اره می‌کند، می بافد، مسواک می‌زند، ناخن می‌گیرد.
سرعت و دقت	با دقت و سرعت جوشکاری می‌کند. با دقت رادیو را تعمیر می‌کند	گچ کار می‌کند، سیم کشی می‌کند، تعمیر می‌کند.
هماهنگی حرکات	با هماهنگی چشم و دست مجسمه می سازد. با هماهنگی چشم و دست چکش زنی می‌کند.	دوچرخه سواری می‌کند، تیر اندازی می‌کند. با چرخ خیاطی می‌دوزد.
عادی شدن	با مهارت رانندگی می‌کند با مهارت قالی می‌بافد	همزمان ترمز و کلاچ را فشار می‌دهد، با مهارت خیاطی می‌کند، با مهارت تعمیر می‌کند.

بنابراین معلمان پس از آموزش یک مطلب یا انجام فعالیت‌های تربیتی انتظار دارند که دانش‌آموزان در پایان در رابطه با حیطه شناختی مطالبی را بدانند، بفهمند، بکاربرند، تجزیه و تحلیل کنند، ترکیب نمایند و یا ارزشیابی کنند.

در رابطه با حیطه عاطفی نسبت به مسئله، پدیده‌ها و رویدادها، توجه داشته باشند، واکنش نشان دهند، ارزش‌گذاری کنند، سازمان‌بندی کنند و ارزش‌ها در شخصیت آن‌ها تبلور یابد؛ و در رابطه با حیطه روانی- حرکتی مهارت‌هایی در سطوح تقلید، اجرای مستقل، دقت، هماهنگی حرکات و عادی شدن کسب کنند.

با توجه به این‌که، آموزش و پرورش رسمی، کتاب‌های درسی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و بسیاری از معلومات در جنبه‌های جسمی و روانی تنها از طریق کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان القا می‌گردد و همچنین، بخش عظیم وقت نوجوان در دوره متوسطه اول صرف مطالعه محتوای کتاب‌های درسی می‌شود. لذا، در کتاب‌های درسی بایستی به آموزش مفاهیم اخلاقی و کاربرد آن‌ها عنایت گردد و کتاب‌های درسی مقطع متوسطه اول متناسب با سطح رشد اخلاقی نوجوان تهیه و تألیف شود.

بنابراین، کسب آگاهی کافی در زمینه شناخت عملی کتاب‌های درسی به منظور استفاده مطلوب از آن‌ها در جهت هدف‌های آموزشی ضروری می‌باشد. در یک بررسی کلی از اهداف اخلاقی مصوب دوره متوسطه اول در زمینه‌ی پیام‌های اخلاقی در ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با خویشان و ارتباط با جهان مشخص گردید که در اهداف فوق بیشتر به پیام‌های اخلاقی در ارتباط با خود و خویشان و دیگران توجه شده

است و در آنها به اهداف اخلاقی که حاوی پیام‌هایی در ارتباط با خدا، در ارتباط با جهان باشد، اشاره‌ای نشده است. کلبرگ نیز سه سطح برای رشد اخلاقی مطرح می‌کند که هر یک دارای دو مرحله است. این سطوح عبارتند از:

۱- سطح پیش قراردادی الف) اخلاق مبتنی بر تنبیه و اطاعت ب) اخلاق ابزار گونه نسبی؛ ۲- سطح قراردادی ج) اخلاق پسر خوب و دختر خوب بودن. د) اخلاق مبتنی بر نظم و قانون.

۳- سطح فوق قراردادی ه) اخلاق بر اساس پیمان اجتماعی؛ و) اخلاق بر اساس اصول جهانی. از دیدگاه پیازه اخلاق مانند هوش در قالب مراحل نظام‌دار و متوالی رشد می‌کند که وابسته به رشد شناختی کودک است (جمعی از مؤلفان سمت، ۱۳۷۰) نتایج تحقیقات باهنر (۱۳۷۱) نشان می‌دهد که آموزش دینی و اخلاقی باید بر اساس مبانی روان‌شناختی و مراحل رشد و تکامل درک دینی صورت پذیرد؛ زیرا دانش آموزان با افزایش سن و رشد اخلاقی درک بهتری از این مطالب خواهند داشت. افهمی (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان مطالعه آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول انجام داده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که:

۱- در کنار بیشتر مطالب سیاسی، مضامین دینی هم آموزش داده شده است، اما در تعداد کمی از دروس بر میهن‌پرستی و ملیت‌گرایی تأکید شده است. درحالی که وحدت ملی به عنوان ارزش و هنجار سیاسی در بیشتر درس‌ها مورد آموزش قرار گرفته است.

۲- از سه عنصر بنیادین دولت به آموزش قدرت سیاسی بیش از دیگر عناصر توجه شده است.

۳- تنها در ۴/۵ درصد از دروس سیاسی به آموزش طبیعت‌گرایی پرداخت شده است.

جمالی زاده (۱۳۸۴) تحقیقی در باب شناسایی و طبقه‌بندی آموزه‌ها و مفاهیم اخلاقی در دوره ابتدایی انجام داده است. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و طبقه‌بندی مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که مفاهیم اخلاقی در ارتباط با خدا، در ارتباط با دیگران، در ارتباط با جهان به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نحوه خطاب پیام‌های اخلاقی بیشتر فردی است و درعین حال برای ارائه آموزه‌های اخلاقی از روش ارائه مستقیم و غیرمستقیم یکسان استفاده شده است. کریم دادی (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان بررسی سیمای شهروند موردنظر در آموزش ابتدایی ایران انجام داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که پیام‌های شهروندی در ارتباط با آگاهی از قوانین اجتماعی، مسئولیت‌پذیری شخصی، تقدیر از میراث فرهنگی و تقویت غرور و افتخار در سطح جامعه محلی و هویت ملی به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که نحوه خطاب پیام‌های شهروندی بیش‌تر فردی بوده است و درعین حال برای ارائه پیام‌های شهروندی، از روش ارائه غیرمستقیم بیشتر از روش ارائه مستقیم استفاده شده است.

اهمیت و ضرورت آموزش‌های اخلاقی:

با توجه به این‌که، آموزش‌های اخلاقی در شاخه‌های مختلف در سعادت و شقاوت فردی و اجتماعی انسان نقش زیادی دارند، اهمیت تربیتی پژوهش در زمینه مسائل اخلاقی روشن می‌گردد.

در اهمیت اخلاق باید گفت که از علل اساسی رشد یا انقراض ملت‌ها و شرط تفوق یک اجتماع بر اجتماع دیگر است. اخلاق، یک پل و یک عامل ربط است که در سایه ضوابط آن سازگاری‌ها آغاز می‌شود. همزیستی و صلاح بر اثر آن پدید می‌آید و برعکس عدم رعایت ضوابط آن سبب درگیری‌ها، جنگ‌ها و تعدی‌هاست. (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

کودکان امروز، رهبران اجتماعی و فرهنگی آینده هستند و بدون شک، آموزش مفاهیم اخلاقی اگر از طریق تحصیلات رسمی به دانش آموزان تعلیم داده نشود، منجر به ایجاد آسیب‌های روانی در آن‌ها خواهد شد. اهمیت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی برای آموزش و پرورش کاملاً روشن است. بیشتر مربیان بزرگ، آموزش و پرورش را کشاندن انسان به سوی ارزش‌ها می‌دانند، آنان رشد منش و القای ارزش‌های مشخص را مهم‌تر از تدریس مواد درسی عقلانی می‌دانند. به این ترتیب علمای آموزش و پرورش به ایجاد ارزش‌های اخلاقی و معنوی مورد لزوم برای ساختن دنیایی بهتر برای زندگی، بیشتر از تدریس مواد و موضوعات درسی خاص اهمیت می‌دهند (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۷: ۱۰۸ - ۱۰۷).

بنابراین، بررسی میزان عنایت آموزش رسمی به اخلاق مهم است. علاوه بر این، نقش اخلاق در اصلاح زندگی انسان و حل مشکلات شخصی و اجتماعی او، دلیل کافی برای ضرورت فراگیری آن است. تمامی پیشرفت‌های علمی انسان در صورتی که با اصلاح درون

همراه نباشد، نا به سامانی‌هایی به همراه خواهد داشت. شریعتمداری (۱۳۸۲) بیان می‌دارد که بدون تردید ارزش‌ها، مخصوصاً ارزشهای اخلاقی رکن اساسی زندگی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها مانند دیگر امور، هم جنبه فردی و هم در زمینه اجتماعی ظاهر می‌شوند. اهمیت ارزش‌ها در زندگی انسان‌ها وظایف خاصی را در تقویت روح هنری و گسترش شخصیت اخلاقی برای مربیان به وجود می‌آورد. چنان چه غفلت در پرورش اخلاقی موجب پیدایش افرادی خودخواه و بی‌اعتنا به روابط انسانی می‌گردد. (شریعتمداری - ۱۳۸۲)

نقش عظیم اخلاق در زندگی بشر نشان می‌دهد که برای تربیت کودک متعهد بودن بیش از متخصص بودن اهمیت دارد.

زیرا متخصص متعهد از علم و دانش خود در جهت خدمت به بشر استفاده می‌کند. از آنجا که شالوده تربیت در کودکی شکل می‌گیرد، لازم است که در کنار سایر دروس آشنایی با ارزش‌های اخلاقی از طریق آموزش رسمی به کودک ارائه می‌گردد. با توجه به این که آموزش رسمی، عامل مهمی در انتقال آموزه‌های اخلاقی است و با عنایت به این که بیشترین وقت دانش آموزان راهنمایی صرف کتب درسی می‌شود، در نتیجه توجه به نقش کتب درسی در انتقال آموزه‌ها و مفاهیم اخلاقی به کودکان حائز اهمیت زیادی است و از این طریق می‌توان دریافت در کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول تا چه اندازه به ارزش‌های اخلاقی اهمیت داده می‌شود و چه نوع ارزش‌های اخلاقی و چگونه به کودکان ارائه می‌شوند.

همچنین، این پژوهش می‌تواند به شناخت نواقص کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول در زمینه آموزه‌های اخلاقی و رفع محدودیت‌ها، جهت پرورش بهتر کودکان کمک نماید. نتایج این پژوهش می‌تواند برای مؤسسات آموزشی و پژوهشی، سازمان‌های برنامه‌ریزی درسی، مراکز برنامه‌ریزی آموزش‌های غیررسمی برای تکمیل برنامه و معلمان برای ترمیم برنامه درسی آموزش اخلاق مفید باشد.

تعریف اصطلاحات و مفاهیم:

۱- آموزه و مفهوم اخلاقی.

در این کتاب به پیام‌ها و رهنمودهایی که در ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط فرد با جهان مطالب و ارزش‌هایی را به دانش آموزان ارائه و انتقال می‌دهند، آموزه و مفهوم گفته می‌شود.

۲- مفاهیم اخلاقی درباره ارتباط انسان با خدا.

منظور آن دسته از پیام‌هایی است که جهت دهنده افراد به شناخت، پرستش، پیروی، یاد و ذکر خدا، احساس مسئولیت در برابر او و شکرگزاری از نعمت‌های او باشد. مثال: «فرزندم نماز بخوان» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۸۳)

۳- مفاهیم اخلاقی درباره ارتباط انسان با خود.

منظور آن دسته از پیام‌هایی است که فرد را به خودشناسی، کرامت انسانی و آگاهی از مسئولیت‌های خود رهنمون سازد تا از طریق ایجاد تحول و دگرگونی‌هایی در فرد او را به مراحل بالاتر کمال برساند (قائمی، ۱۳۶۴). مثال: «پروردگارت را بسیار یاد کن». (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عربی دوم راهنمایی، ۱۳۸۷: ۶)

۴- مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی درباره ارتباط انسان با مردم.

مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با دیگران به دو دسته تقسیم می‌شود: آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با دیگران و آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با خویشان.

منظور از آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با دیگران آن دسته از پیام‌هایی است که نوجوان و جوان را برای عضویت و زندگی کردن مطلوب در اجتماع آماده می‌سازد و شیوه رفتار کردن با مردم و اعضای اجتماع را به دانش‌آموز آموزش می‌دهد. مثال: «و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم». (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، قرآن دوم راهنمایی، ۱۳۸۷: ۵۹)

منظور از آموزه‌های اخلاقی در ارتباط با خویشان آن دسته از پیام‌هایی است که نحوه برخورد رفتار با اعضای خانواده اعم از پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، خواهر، برادر را به دانش‌آموز آموزش می‌دهد. مثال: «خدمت به پدر و مادر را غنیمت بشمارید». «امام خمینی (ره)» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تاریخ اول راهنمایی، ۱۳۸۷: ۶)

۵- آموزه‌های اخلاقی در ارتباط انسان با جهان.

منظور آن دسته از پیام‌هایی است که فرد را متوجه زیبایی‌های جهان آفرینش و تفکر در مورد آن‌ها نموده و نحوه رفتار با طبیعت، حیوانات و سایر موجودات را به دانش‌آموز آموزش دهد. مثال: «آیا در زمین سیروسفر نمی‌کنند که بنگرند سرانجام پیشینیان آن‌ها چه بوده است؟» -سوره یوسف/ ۱۰۹ « (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تاریخ اول راهنمایی، ۱۳۸۷: ۷)

۶- ارائه مستقیم.

آموزه‌ها و مطالب اخلاقی که به‌طور مستقیم، آموزش پیام‌های اخلاقی را دنبال می‌کنند. مثال: «اخلاق خود را نیکو کنید و به وظایف اسلامی عمل کنید و بانشاط و خرمی درس‌هایتان را خوب بخوانید.» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۸۷: ۲)

۷- ارائه غیرمستقیم.

آموزه‌ها و مطالب اخلاقی را شامل می‌شود که در لابه‌لای سایر مقولات اجتماعی و فرهنگی آمده و با دقت در مضمون آن‌ها می‌توان دریافت که هدف اخلاقی را دنبال می‌کنند. همچنین، آن دسته از موضوعاتی که در قالب شعر و داستان و به‌طور غیرمستقیم ارزشهای اخلاقی را آموزش می‌دهند. مثال: «پیامبر (ص) آرام و شمرده سخن می‌گفت،